

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه انسان

استاد ضرابی

جلسه سوم ۱۴۰۳/۸/۳

آیات شریفه: «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴) - ما برای کافران زنجیرها و غل ها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم (۴)»

اسم خواندی رو مسمی را بجو...!

« إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... »: در تعبیر « إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ » خداوند فعل مهیا نمودن جزای مناسب برای عمل کافران (از نظر ظاهر و باطن) را، به خود و کارگزارانش (که تجلیات اسما و صفات او هستند) منتسب نموده است (إِنَّا أَعْتَدْنَا)، و لکن فعل کفر ورزیدن (چه قلبی، چه اعتقادی، چه عملی) را به کافران نسبت می‌دهد (اگر چه در این مورد هم تحقق خارجی و تأثیرات وجودی عمل، به اذن خداوند است « لا مؤثر فی الوجود الا الله »).

«کفر» در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن است. به شب تاریک کافر می‌گویند زیرا با تاریکی خود همه چیز را می‌پوشاند؛ به کشاورز نیز از آن جهت کافر می‌گویند که بذر و دانه را با خاک می‌پوشاند. و در آموزه های دینی به همین جهت، به کافر، کافر می‌گویند که نعمت‌های الهی را از روی آگاهی، پوشانده و مخفی می‌نماید. (جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ذیل واژه کفر) در مقابل واژه کفر ایمان قرار دارد؛ همانطور که ایمان دارای درجات و مراتب است، کفر نیز دارای درجاتی است که در مؤمنین ضعیف الایمان به مراتبی وجود دارد (به همان مقداری که از ایمان کامل، درجاتی را کم دارند).

ای که خواب آلوده واپس مانده‌ای از کاروان
در تو آن مردی نمی‌بینم که کافر بشکنی
بشکن از مردی هوای نفس کافر کیش را
آن گه از خواب اندر آید مردم نادان که مرد
چون شبان آن گه که گرگ افکنده باشد میش را

آماده ساختن جهنم برای کافران (در مراتب مختلف)، حقیقت تکان دهنده‌ای را به ما گوشزد می‌کند، که اگر چشم بینایی داشتیم و می‌دیدیم، باعث ایجاد چه عذاب ها و ناکامی‌ها، برای خود هستیم، از حسرت و وحشت، قالب تهی می‌کردیم؛ «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف/۴۹) آنچه انجام داده اند حاضر می‌یابند و پروردگار تو به احدی ستم نمی‌کند.

اعمال انسان دارای دو صورت است: ملکی: که فانی و زودگذر است؛ و ملکوتی: که باقی و زایل ناشدنی است. انسان در دنیا با صورت ملکی اعمال خود آشناست و از صورت ملکوتی آنها، غافل؛ ولی در برزخ و قیامت، صورت ملکی و چهره ملکوتی را با هم می‌بیند؛ اگر زیبا باشند، نعمت‌های متنوع آخرت، و اگر زشت باشند، آتش و صورت‌های گوناگونی از عذاب، خواهند بود.

ز صفت وز نام چه زاید خیال
تا نباشد جاده نبود غول هیچ
و آن خیالش هست دلال وصال
دیده ای دلال بی مدلول هیچ

هیچ نامی بی حقیقت دیده ای
اسم خواندی رو مسمی را بجو

یا ز گاف و لام گل گل چیده ای
مه به بالا دان نه اندر آب جو

قیس بن عاصم می گوید : روزی همراه با جماعتی از قبیله بنی تمیم خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدیم عرض کردم : ای پیامبر خدا ! ما را نصیحتی کن تا از آن بهره مند شویم ، آن حضرت فرمودند : « وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ يَا قَيْسُ مِنْ قَرِينٍ يُدْفِنُ مَعَكَ وَ هُوَ حَيٌّ وَ تَدْفِنُ مَعَهُ وَ أَنْتَ مَيِّتٌ ، فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ ، وَ إِنْ كَانَ لَيْثِيًّا أَسْلَمَكَ ؛ ثُمَّ لَا يُحْشَرُ إِلَّا مَعَكَ ، وَ لَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ ، وَ لَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ ؛ فَلَا تَجْعَلْهُ إِلَّا صَالِحًا ... » . (شیخ صدوق ، معانی الاخبار ، ص ۲۳۲) ای قیس ! همانا با هر عزتی ، ذلتی و با حیات ، مرگی و با دنیا ، آخرتی و برای هر چیزی ، حسابگری و بر هر چیزی ، مراقبی و برای هر حسنه ای ، ثوابی و برای هر سیئه ای ، عقابی و برای هر مهلتی ، پایانی است . ای قیس ! برای تو ناگزیر همنشینی خواهد بود که با تو دفن می شود ، در حالی که او زنده است و تو مرده ای . اگر وی شریف باشد ، گرامی ات خواهد داشت ، و اگر پست و فرومایه باشد ، به حوادث تسلیمت می کند . سپس او محشور نمی شود جز با تو و تو مبعوث نمی گردی جز با او و مورد سؤال قرار نمی گیری جز درباره او . پس مواظب باش تا همراهی نیک برای خود انتخاب کنی ؛ چرا که اگر نیک باشد مایه انس تو خواهد بود و اگر بد باشد مایه وحشت تو و آن همنشین چیزی نیست جز اعمال و کردار تو »

مرحوم فیض در کتاب وافی خود از کافی نقل می کند که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید : « إِنَّ ابْنَ آدَمَ إِذَا كَانَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا وَ أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الْآخِرَةِ ، مُثَلَّ لَهُ مَالُهُ وَ وَلَدُهُ وَ عَمَلُهُ ... » (اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۱۵۲) به درستی که هر گاه بنده خدا در آخرین روز از روزهای زندگی دنیا - که نخستین روز از روزهای زندگی آخرت اوست - قرار گیرد ، سه چیز برایش متمثل گردد : یکی مالش و دیگری فرزندان و سومی عملش . به مالش نگریسته و می گوید : سوگند به خدا ، که من در به دست آوردن تو حریص و در خرج کردنت بخیل بودم ، اکنون برای من چه می کنی ؟ مال گوید : تنها چیزی که از من به تو می رسد کفن توست . سپس متوجه فرزندان می شود و می گوید : قسم به خدا ، که من شما را دوست می داشتم و در همه جا از شما حمایت می کردم ، اکنون شما برای من چه می کنید ؟ گویند : تنها کاری که از ما بر می آید این است که تو را به قبرت رسانده و در آن پنهان کنیم . سرانجام رو به عملش کرده و می گوید : به خدا سوگند ، که من در انجام دادن تو بی رغبت بودم و به جا آوردن تو بر من سنگین بود ، ولی با این همه تو را انجام دادم ، تو برای من چه می کنی ؟ گوید : من در قبر و رستاخیزت همواره با تو هستم تا این که هر دو برخداوند عرضه گردیم . »

و نیز مرحوم فیض در همان باب از کافی نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود : « هیچ موضع قبری نیست مگر آن که هر روز سه بار می گوید : « ما من موضع قبر الا و هو ينطق في كل يوم ثلاث مرات : انا بيت التراب . انا بيت البلى . انا بيت الدود . قال : اذا دخله عبد مؤمن قال : مرحبا و اهلا . . . فيفسح له مد البصر و يفتح له باب يرى مقعده من الجنة قال : و يخرج من ذلك رجل لم تر عينا شئنا قط احسن منه . فيقول : يا عبد الله ما رايت شيئا قط احسن منك فيقول : انا رايتك الذي كنت عليه و عملك الصالح الذي كنت تعمله . . . و اذا دخل الكافر قبره قالت له : لا مرحبا بك و لا اهلا . . . و يفتح له باب الى النار فيرى مقعده من النار ثم انه يخرج منه رجل اقبح من راى قط قال : فيقول : يا عبد الله من انت فما رايت شيئا اقبح منك قال : فيقول : انا عملك السيئ الذي كنت تعمله و رايتك الخبيث » (ملاحسن فیض کاشانی ، وافی ، ابواب ما بعد الموت ، باب ۱۰۶ ، م ۱۳ ، ص ۹۴) من هستم خانه خاک ، منم خانه فرسودگی و پوسیدگی ، منم خانه کرم ها . هر گاه بنده مؤمنی در آن داخل شود ، به او خوش آمد گوید . . . سپس تا جایی که چشم کار کند قبرش گشاده گردد و دری از بهشت به رویش باز شود که جایگاه خود را در آن ببیند و از

آن در ، مردی خارج شود که تا آن زمان کسی را بدان زیبایی ندیده باشد . بنده مؤمن به او گوید : ای بنده خدا ! تو کیستی که تاکنون کسی را بدین زیبایی ندیده ام ؟ گوید : من عقیده تو هستم که در دنیا بر آن بودی و نیز عمل صالح توام که در دنیا انجام دادی . . . ولی هر گاه شخص کافر داخل قبرش گردد ، قبر به او خوش آمد نگوید . . . پس او را فشار دهد . . . و دری از جهنم به رویش بازگردد که جایگاهش را در آن ببیند ؛ سپس از آن در ، مردی خارج شود که تا آن زمان کسی را بدان زشتی ندیده باشد . کافر به او گوید : ای بنده خدا ! تو کیستی که تاکنون کسی را بدین زشتی ندیده ام ؟ گوید : من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام دادی و نیز عقیده خبیث توام که بر آن بودی . »

و نیز در حدیث نبوی آمده است : « إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تُرَدُّ إِلَيْكُمْ ؛ (مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۳ ، ص ۹۰) این عذاب ها همان اعمال شماست که به سوی شما بازگشته است . »

آن سخن های چو مار و کژدمت مار و کژدم گردد و گیرد دمت

« ... سَلَابِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ... » : غل و زنجیر جهل و نادانی، زنجیر انواع تبعیضات ، زنجیر بت پرستی و خرافات و ... ، همان زنجیرهایی هستند که پیامبران (ع) برای گسستن آنها، مبعوث شده اند، انبیا (ع) آمده اند تا از راه دعوت به توحید و دعوت به اخوت دینی و برادری و مساوات در برابر قانون، از طریق دعوت پی گیر و مستمر به علم و دانش، این زنجیرها را از دست و پای مردم بردارند، غل و زنجیرهایی که در آخرت به صورت حلقه هایی از آتش، در گردن اهل جهنم انداخته می شود. در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف می خوانیم: « الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ... » همان ها که از فرستاده [خدا]، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، [از دوش و گردنشان] بر می دارد...».

بنابراین، سلاسل هم عبارت است از: شهوات و تمایلات نفسانی که مانع می شود تا انسان مسیر حق و هدایت را ببیماید؛ در سوره مبارکه سبأ آمده است: «... وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. - و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟!»

این آیات به ما می فهماند که پاداش ها و کیفرها، چیزی جز عمل و کردار ما نیست که به صورت و لباس اخروی درآمده اند؛ مانند خوردن مال یتیم که در آخرت به آتش در شکم های مجرمین، تبدیل می شود: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا. (نساء/ ۱۰) (کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند در حقیقت تنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش می سوزند.)

هشدار آیات این است که بر اثر تکرار گناهان ، صورت های زشت و ناراحت کننده ای در انسان پدید می آید که در واقع همان تجسم گناهان و ملکاتی است که در زندگی دنیایی کسب شده. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ، لِكُلِّ جُزْءٍ مِنْهَا حَرٌّهَا.» (النوافع العطرة - ص ۴۲۱) «این آتش دنیای شما (تمام آتش های دنیا) یکی از هفتاد جزو آتش دوزخ است که برای هر جزئی از آن آتش حرارت و سوزندگی همه آتش است »

امام علی (علیه السلام) هم در توصیف عذاب جهنم می فرمایند: وَ اتَّقُوا نَاراً حَرُّهَا شَدِيدٌ وَ قَعْرُهَا بَعِيدٌ وَ
جَلِئَتْهَا حَدِيدٌ وَ شَرَابُهَا صَدِيدٌ.. - از آتشی بپرهیزید که حرارتش شدید و عمق آن ناپیدا و زیور آن غل و
زنجیر و آشامیدنی آن زرد آب و چرك جوشان است «(نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰)

ای بشر امروز بکن فکر خویش	هست تو را روز حسابی به پیش
روز مکافات گناه و صواب	روز گرفتاری و ((یوم الحساب))
روز حساب بد و نیک همه	عدل خدا قاضی آن محکمه
هر که در آن محکمه محکوم شد	خوار و سرافکنده و محروم شد
قسمت او در طبقات جحیم	حسرت و درد است و عذاب الیم
تا به ابد سوختن و خواری اش	حاصل يك عمر تبه کاری اش

صلی الله علی محمد و آله